

چنین معنائی از این اخبار استفاده نمیشود بلکه مقصود این است که اگر کاری خوبی و استجابش مسلم باشد و ثوابی برای آن شنیده شد که حقیقتش معلوم نیست و با مید آن کسی آن عمل را بجا آورد آن ثواب را باو خواهند داد نه اینکه هر کاری را که هر کس شنید خوبست و بجا آورد ثواب باو خواهند داد گر چه خویش معلوم نباشد

گذشته از همه اینها دین اسلام با انهمه جدیت‌ها و پیش‌بینی‌ها که برای جلوگیری از داخل شدن دروغ در دین نمود، چگونه ممکن است چنین وسیله و بهانه خوبی را بدست دروغ سازان بدهد

پس باید بگوئیم در مستجابات هم جز خبر صحیح و معتبر نمیتواند مدرک واقع شود و بهمین جهت با بودن این دو خبر غیر معتبر در باب اراک فقها آنرا کمتر معترض شدند و بعضی هم مانند صاحب ذکری و سراج الامه و غیره صریحاً گفته اند اما ا کملیه اراک برای فعل گذستگان است یا برای این است که از چوب‌های دیار نرم تر است در این زمینه گفتگوهای دیگر هم هست که بیانش مناسب با این مقام نیست - در هر حال ما مطلبی را ندیده و نتایجیده نخواهیم نوشت

علم و دین

در زمینه علم و دین گفتگو بسیار شده است ولی کمتر کسی باین نکته بر خورده که میان این دو هیچ گونه مزاحمتی نیست علم مطالب محسوسی را کشف میکند که در دست رس همه کس هست ولی افق دین از این وسیع تر است یعنی پیشوایان آن قانونی بالاتر از قانون حس و ادراک را می بینند پس عجبی نیست اگر لفظ علم و دین را از یکدیگر جدا به بینیم برای نزاع میان علم و دین جهت هائی است که بطور خلاصه

از این قرار است :

۱ - مطالب بی اساسی جزء دین میشود که رجال دین آنرا واقع و حقیقت پنداشته و برای دفاع از آن کوشش بسیار میکنند و رجال علم نیز نمیتوانند در برابر آنها خاموش نشسته و معلومات خود را آشکار نکنند چنانکه این معنی در تاریخ شاهد بسیار دارد

یکی از آنها همان داستان کالیده است که گفت زمین متحرك است و رجال دین چون بر خلاف این عقیده داشتند و این عقیده را هم جزء دین می پنداشتند این بود که باو نسبت کفر و الجاد دادند و حال آنکه او غیر از حق چیزی نگفته بود - پس باید گفت که

میان علم و دین نزاعی نیست بلکه نزاع میان رجال دین و علم است دوم نزاعی است که در اثر اختلاف مسلک و سلیقه میان افراد پیدا میشود (و گمان میکنند که این نزاع علم و دین است) زیرا جمعیت مانند منشور سه پهلو است که هر طرف آن دارای حکمی مخصوص است دسته هستند که جز تهیه لوازم زندگی و گذراندن عمر نظری ندارند دسته دیگرند میخواهند از روی فکر و خیال بی بحقیقت برندسته هم میخواهند از روی تجربه و اکتشاف مقصود را پیدا کنند و هر يك از اینها چون نکر خود را مقدس میدانند لذا برای دفاع از آن بر میخیزند

پس اینجا نزاع میان اختلاف مسلک ها است نه میان علم و دین و نزاعی که در این جا دیده میشود میان حقیقت این دو نیست بلکه در ظاهر بنام آنها تمام میشود زیرا علم و دین هر دو کشف اسرار کون و حقیقت میکنند ولی برای هر يك از آنها راه مخصوص و لغت

جداگانه ایست ترجمه از المقتطف سید حسین بدلا